

مقاله پژوهشی

ارائه مدل تأثیر تعارض والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی بر پرخاشگری با میانجی‌گری کمال‌گرایی و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان

شهناز محمدی^۱، مه‌سیما پورشهریاری^{۲*}، یحیی یار احمدی^۳

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه مشاوره و راهنمایی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: mpourshahriari@yahoo.com

۳. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف آرایه‌ی مدل تأثیر تعارض والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی بر پرخاشگری با میانجی‌گری کمال‌گرایی و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۱ بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل پرسشنامه پرخاشگری آیزنک و گلن ویلسون (۱۹۷۵)، پرسشنامه تعارض والد-فرزند فاین و همکاران (۱۹۸۳)، پرسشنامه عملکرد خانواده اصلی هاوشتات و همکاران (۱۹۸۵)، پرسشنامه کمال‌گرایی تری شورت و همکاران (۱۹۸۵) و پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکی و همکاران (۲۰۱۳) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری (SEM) و حداقل سازی مربعات جزئی (PLS) و بکارگیری نرم افزارهای SPSS26 و Smartpls3 انجام شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که تعارض والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی به صورت مستقیم و به صورت غیرمستقیم از طریق کمال‌گرایی و سبک‌های هویت بر پرخاشگری دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه تأثیر گذار بود. همچنین مدل تعارض والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی از طریق کمال‌گرایی و سبک‌های هویت بر پرخاشگری از برازش مطلوبی برخوردار بود ($P < 0.05$). بر اساس نتایج می‌توان با کاهش تعارض والد-فرزند، تقویت عملکرد خانواده، سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری، و همچنین هدایت صحیح کمال‌گرایی، پرخاشگری در دانش‌آموزان را کاهش داد.

کلیدواژه‌ها: پرخاشگری، تعارض والد-فرزند، سبک‌های هویت، عملکرد خانواده اصلی، کمال‌گرایی

استناد به این مقاله:

محمدی، شهناز؛ پورشهریاری، مه‌سیما؛ یار احمدی، یحیی. (۱۴۰۳). ارائه مدل تأثیر تعارض والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی بر پرخاشگری با میانجی‌گری کمال‌گرایی و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۷۵-۹۲: ۲۰(۲). doi: 10.22051/JONTOE.2023.43899.3809

مقدمه

نوجوانی از دوران‌های بسیار بحرانی زندگی فرد به شمار می‌رود که ورود به این دوره از زندگی فرد را با مشکلاتی نیز مواجه می‌سازد (شیخ الاسلامی، اسدالهی و محمدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۶). این دوره معمولاً از سن ۱۱ سالگی شروع می‌شود و یک مرحله بحرانی در زندگی که در آن اختلالات روانی به احتمال بیشتری شکل می‌گیرند (سیاح و جمالی، ۱۳۹۸، ص. ۷۲). نوجوانی دوره‌ای از تغییر برای حوزه‌های رشدی و اجتماعی است (اسچلومر، کلیولند، واندلبرگ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۵۸۲) که ممکن است با مشکلات رفتاری مانند رفتارهای پرخاشگرانه همراه باشد (فارینگتون، ۲۰۰۹، ص. ۶۲۸).

مهم‌ترین اختلال روانی که سلامت افراد به‌ویژه نوجوانان را به خطر می‌اندازد «پرخاشگری»^۱ است. روان‌شناسان اجتماعی پرخاشگری را رفتار آگاهانه‌ای می‌دانند که هدفش اعمال درد و رنج جسمانی یا روانی می‌باشد (ژی، چن، لی و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۵۷). پرخاشگری یکی از مشکلات مهم دوران نوجوانی است که می‌تواند زمینه بسیاری از مشکلات و رفتارهای پرخطر را در آینده ایجاد کند (حسین خانزاده، ملکی منش، طاهر و مجرد، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۷). پرخاشگری و خشونت از سنین پایین شروع شده و در طول زندگی فرد ادامه می‌یابد، با این حال می‌توان بیشترین بروز و ظهور آن را به دوران نوجوانی و جوانی نسبت داد (اندرسون و کارنجی، ۲۰۰۹، ص. ۷۳۲). هنگامی که چنین رفتارهایی رخ می‌دهد، معمولاً طولی نمی‌کشد تا بزرگسالان در زندگی نوجوانان تشخیص دهند که مشکلی وجود دارد. این رفتارها مخرب، استرس‌زا، حتی ترسناک هستند و اگر به آنها توجه نشود، می‌تواند عواقب طولانی مدت قابل توجهی داشته باشد (ایوانز، کارلوویچ، خورانا، ایدلمن و همکاران، ۲۰۲۴، ص. ۲).

بسیاری از دانش‌آموزان گزارش می‌دهند که حداقل سالی یک‌بار در مدرسه مورد حمله فیزیکی قرار گرفته‌اند (لی، چیو، خان و ژو، ۲۰۲۰، ص. ۱۰۶). این گزارش‌ها نشان می‌دهند که تمایل رفتاری به ایجاد آسیب عمدی فیزیکی یا روانی به دیگران (اندرسون و بوشمن، ۲۰۰۲، ص. ۸)، یک مشکل گسترده تلقی می‌گردد (میتز، احرنریچ، برون و وندروود، ۲۰۲۱، ص. ۱۵۴۴). در ایالات متحده، تقریباً ۱۰٪ از نوجوانان گزارش داده‌اند که در طول ۱۲ ماه گذشته توسط یک پسر یا دختر مورد ضرب و شتم، سیلی یا صدمه جسمی قرار گرفته‌اند (کان، کینچن، شانکلین و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۱۵۲) و تقریباً ۳۰ درصد گزارش کردند که رفتارهای پرخاشگرانه روانی را در طول زندگی خود تجربه کرده‌اند (هالپرن، اوسلاک، یانگو همکاران، ۲۰۰۱، ص. ۱۶۷۳). به اعتقاد ژانگ، وو، نی و همکاران (۲۰۱۶)، پرخاشگری در بین دختران نوجوان با پیامدهای جدی در فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف مرتبط است و اثرات منفی آن گزارش شده است. پرخاشگری در میان دختران نوجوان نگرانی عمده‌ای تلقی می‌شود و این نگرانی با مشاهده پرخاشگری فیزیکی در میان دختران به اوج خود می‌رسد (دینیک، کودزوپلیک، سوکولودسکا و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۳۶۰؛ نیوت، استارلند، ایسنر و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۸۳). طبق جدیدترین پژوهش‌ها ۶۸٫۳ درصد از نوجوانان دختر درگیر پرخاشگری روان‌شناختی بودند (مونوز، فرناندز و سانچز جینزا، ۲۰۲۰، ص. ۱۷۲)، که این امر بر ضرورت پژوهش بیشتر در حوزه رفتارهای پرخاشگرانه دختران تأکید می‌کند (بوتین، تمشف و دیری، ۲۰۲۱، ص. ۷۸).

از طرفی نحوه تعامل و صحبت والدین با فرزندان می‌تواند با پرخاشگری فیزیکی و اجتماعی آنها مرتبط باشد. خانواده زمینه‌ای است که در آن فرزندان مهارت‌ها یا نقص‌های اجتماعی را به‌دست می‌آورند و سبک تربیت والدین ممکن است به‌عنوان الگویی باشد که کودکان و نوجوانان در تعاملات با همسالان خود از آن تقلید می‌کنند (میتز و همکاران، ۲۰۲۱؛ لاد، ۲۰۰۵). بنابراین روابط والدین و فرزند یکی از مهم‌ترین روابط نوجوانان است که تأثیر برجسته‌ای بر عملکرد و روابط روانی اجتماعی آنها دارد (سمتانا و روته، ۲۰۱۹، ص. ۴۲).

نوجوانی دوره‌ای از تغییرات سریع زیستی و روانی است که تأثیر برجسته‌ای بر روابط والدین و فرزندان دارد. برای مثال تلاش فزاینده نوجوان برای دستیابی به خودمختاری و استقلال می‌تواند منجر به تعارضات والد-فرزندی^۲ در اوایل نوجوانی شود (مستروتهدودروس، واندگراف، دکوویک و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۱۲۰؛ سمتانا و روته، ۲۰۱۹، ص. ۴۳؛ برانجه، ۲۰۱۸، ص. ۱۷۲). این تعارضات به‌عنوان

1. Aggression

2. Parent-child conflicts

وضعیتی ناسازگار، اختلاف عقیده یا یک مخالفت رفتاری تعریف شده است (لهو-کادمیل و برونستین-کلوک، ۲۰۱۸) و یکی از راه‌های مقابله‌ای غیرسازنده نوجوانان با این تعارضات، رفتارهای پرخاشگرانه و به گونه وسیع تر بزهکاری می‌باشد (میرن، داویس، بری و اسپلاگه، ۲۰۱۹، ص. ۱۹۶؛ میلر، لیود و برد، ۲۰۱۷، ص. ۲۶۰).

یکی دیگر از عوامل مرتبط با پرخاشگری در نوجوانان «عملکرد خانواده اصلی»^۱ است که به توانایی خانواده در انجام وظایفی که بر عهده دارد، نقش خانواده در زندگی انسان و رشد اجتماعی اشاره دارد (ریز استبان، مندز، فرناندز سوگورب و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۲۱؛ جیا، لی، چو و دای، ۲۰۲۱، ص. ۳۴۷). خانواده اصلی به محیط در حال رشدی اشاره دارد که توسط فرد و والدین ساخته شده است (فان، ۲۰۲۳، ص. ۱۸۴۸). خانواده اصلی از طریق عملکرد و تجارب اولیه خانواده به شدت بر رشد فرد تأثیر گذاشته و درک فرد از این تجارب و نحوه انطباق با آنها ممکن است کیفیت روابط فرد را تحت تأثیر قرار دهد (جیا و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۳۴۸؛ ریز استبان و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۲۲؛ رولینز، ویلیامز و سیمز، ۲۰۱۸، ص. ۱۲۹). مطالعات متعددی نشان داده‌اند که محیط اولیه خانواده (برای نمونه: عملکرد خانواده) می‌تواند به طور قابل توجهی بر رشد و سطح تاب‌آوری فرزندان تأثیر گذاشته و فرد را مستعد بروز رفتار پرخاشگرانه کند (اولیوروس و کلمن، ۲۰۲۱، ص. ۹۴۱۷؛ جیا و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۳۴۸). اعتقاد متیوز (۲۰۲۳)، سبک‌های فرزندپروری و محیط خانواده به شدت بر رشد نوجوانان تأثیر می‌گذارد. افزون بر این رشد ویژگی‌های روانی، اجتماعی و عاطفی در بزرگسالی مانند گرایش به رفتارهای پرخطر و پرخاشگری، سلامت روان و تاب‌آوری نیز عمیقاً تحت تأثیر جو خانواده، تجارب اولیه جسمی و ذهنی از خانواده مبدأ و رفتارهای والدینی به یادمانده از دوران کودکی می‌باشد (اولیوروس و کلمن، ۲۰۲۱، ص. ۹۴۱۸؛ جیا و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۳۴۹؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۳). شواهد از فرهنگ اروپایی-آمریکایی و شرقی نشان می‌دهد که شیوه‌های فرزندپروری با مشکلات مختلفی از جمله پرخاشگری در جوانان مرتبط است (نوفو، ایز، چوکوری، اوریجاکور و همکاران، ۲۰۲۳، ص. ۲). در پشتیبانی از این نظریه، تندوسکی، فیجو، سیلوا و همکاران (۲۰۱۴) تأیید کردند که الگوهای خانواده اصلی مرتبط با خشونت از طریق انتقال بین نسلی تکرار می‌شوند و به صورت پرخاشگری فیزیکی یا کلامی آشکار می‌شوند.

از سوی دیگر، یکی از متغیرهایی که می‌تواند رابطه تعارضات والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی را با پرخاشگری در مرتبه اول میانجی‌گری کند، «کمال‌گرایی»^۲ است (یلدیز، دورو و الدکلی اوغلو، ۲۰۲۰، ص. ۳؛ گلوچ، ۲۰۱۸، ص. ۲). کمال‌گرایی یکی از ویژگی‌های شخصیتی و انگیزشی فرد است که رفتار فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با ویژگی‌هایی همچون تلاش برای کامل و بی‌نقص بودن و تعیین معیارهای بسیار افراطی در عملکرد همراه با گرایش به ارزیابی انتقادی رفتار مشخص می‌شود (رئوف، خادمی و نقش، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۸). کمال‌گرایی یک ویژگی شخصیتی چندبعدی است که ممکن است با هر دو شاخص منفی و مثبت سلامت روان همراه باشد و مؤلفه‌های مختلف کمال‌گرایی ممکن است به طرق مختلف با جنبه‌های مثبت و منفی سلامت روان مرتبط باشد (بابچوک، آسیوا، وویچنکو و همکاران، ۲۰۲۳، ص. ۱۶۳). استانداردهایی که افراد کمال‌گرا برای خود ایجاد می‌کنند، سطح بالایی دارند و برای رسیدن به استانداردهای تعیین شده تلاش زیادی می‌کنند و خود را بر اساس نتیجه‌ای که به دست می‌آورند ارزیابی می‌کنند (رایس، اشبی و اسلینی، ۱۳۹۸، ص. ۳۰۴). بنابراین کمال‌گرایی را می‌توان ترکیبی از استانداردهای بالا و سطح بالای خود انتقادی در نظر گرفت (فراست، مارتن، لاهارت و روزنبلیت، ۱۹۹۰، ص. ۴۷۰). از طرفی هنگامی که ادبیات مربوطه به کمال‌گرایی بررسی می‌شود، به وضوح مشاهده می‌شود که رابطه والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی عامل مهمی در پیدایش کمال‌گرایی هستند (یلدیز و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۴؛ گورگوا و اسلاچکوا، ۲۰۱۸، ص. ۱۴۰؛ کاکاوند، کلانتری، نوحی و طاران، ۲۰۱۷، ص. ۱۰۹).

از سویی، خانواده به عنوان یکی از عناصر مهم و قابل پیوند با هویت و سبک‌های آن در نوجوانان، جایگاه مهمی دارد. هویت وسیله‌ای برای درک و عمل در محیط اجتماعی-فرهنگی فرد فراهم می‌کند (اوزر، ابادی و شوارتز، ۲۰۲۳، ص. ۵۰۹). همچنین سبک‌های هویت، ترجیح نسبی افراد برای به کارگیری شیوه‌های خاص حل مسائل هویتی و پردازش اطلاعات راجع به خود است که در سه سبک شناسایی

شده است. این سبک‌ها نشان‌دهنده راهبردهای ترجیحی شناختی-اجتماعی افراد هنگام درگیر شدن با تکلیفی که به ساخت یا حفظ احساس هویت مربوط می‌شود یا اجتناب از آن است (شریعتی و خالقی‌پور، ۱۴۰۲، ص. ۲۲۷). در این راستا دانش کمی درباره اینکه کمال‌گرایی ناشی از تعارض والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی چگونه با پرخاشگری مرتبط بوده و می‌تواند موجب بروز این نتایج متفاوت گردد وجود دارد (غلامی و غفاری، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۹). در این راستا «سبک‌های هویت» به‌عنوان متغیر میانجی دوم اهمیت پیدا می‌کند. بدون شک شکل‌گیری هویت و فردیت هر نوجوان تحت تأثیر وراثت و محیط زندگی اوست. تجربه‌ای که نوجوان در اوایل زندگی خود با خانواده و به‌طور کلی والدین خود دارند، به‌عنوان عامل مهم و تعیین‌کننده فرایند تنظیم و سازگاری در دوران بلوغ و زندگی آینده اوست (شارما، ۲۰۱۲، ص. ۷۴۴)، چرا که خانواده اولین و مناسب‌ترین محل نقش‌آفرینی است و محور اصلی آموزش است و مانند سیستم پویایی عمل می‌کند که اعضای آن دائماً با یکدیگر در تعامل هستند و متقابلاً بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند؛ بنابراین اختلال در عملکرد این سیستم باعث اختلال در رفتار اعضای آن می‌شود، به‌طوری‌که وجود الگوهای نامناسب در خانواده، روابط نادرست والدین با نوجوان از نظر محبت و عواطف، روابط نامنسجم و ناپایدار خانوادگی و عدم انسجام بین خانواده اثرات مخربی بر روحیه او می‌گذارند (میرزایی‌کوتنایی، حسین‌خانزاده، اصغری و شاکری نیا، ۱۳۹۴، ص. ۷۴). نوجوان در چنین محیطی بیش‌ازحد تحریک‌پذیر، مضطرب و سرزنش می‌شوند و علل ایجاد الگوهای رفتاری خصمانه و پرخاشگرانه و گرایش به پرخاشگری در او فراهم می‌شود. بنابراین محیط متلاطم و ناسالم خانواده منجر به ایجاد ناهماهنگی هویت دانش‌آموزان می‌شود و آنها را به‌عنوان فردی ضعیف و پراکنده بارور می‌کند؛ بنابراین در نقطه مقابل آن، سبک هویت کارآمد دانش‌آموزان با توجه به محیط گرم و سالم خانواده تحقق می‌یابد (الهام، ۲۰۱۶، ص. ۸۰۰). بنابراین با توجه به سوابق ذکرشده نقش میانجی‌گری مرتبه دوم سبک‌های هویتی در رابطه بین تعارض والد-فرزند، عملکرد خانواده اصلی و پرخاشگری با نقش میانجی‌گری مرتبه اول کمال‌گرایی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

از آنجایی که در ایران اسلامی تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زیادی با دیگر کشورها (خصوصاً کشورهای آمریکایی و اروپایی) وجود دارد و مشکلات نوجوانان و دانش‌آموزان در متن فرهنگ و اجتماع و حتی شرایط اقتصادی کشور ایران هیئت متفاوتی به خود می‌گیرد در راستای کسب بینشی از میزان پرخاشگری دانش‌آموزان دختر و تعیین مدلی بر مبنای متغیرهای ذکرشده این موضوع پژوهشی ضرورت پیدا می‌کند؛ بنابراین در پژوهش حاضر با توجه به فرهنگ ایرانی و اسلامی و در راستای ادامه و گسترش پژوهش‌های مرتبط، فرض شده است که کمال‌گرایی و سبک‌های هویت می‌توانند رابطه بین تعارض والد-فرزند، عملکرد خانواده اصلی و پرخاشگری را میانجی‌گری کنند؛ بنابراین مطالعه حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که تعارض والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی با میانجیگری کمال‌گرایی و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان چه تأثیری بر پرخاشگری در دانش‌آموزان دختر شهر کرمانشاه دارد؟ و همچنین برازش مدل تجربی بر اساس مدل مفهومی چگونه است؟ این پژوهش از بعد نظری می‌تواند زمینه‌هایی برای نظریه‌پردازی و کاربرست نظریه به پژوهش‌های حوزه پرخاشگری دختران نوجوانان کمک کند. افزون بر این، پژوهش حاضر از لحاظ کاربردی می‌تواند موجب شکل‌گیری و طراحی بسته‌های حمایت از سلامت روان دانش‌آموزان گردد و برای درمانگران در فهم و چگونگی تأثیر کارکرد خانواده در کاهش پرخاشگری دختران نوجوان و دانش‌آموزان مفید باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع هدف کاربردی^۲ است. این مطالعه از نوع توصیفی-مقطعی مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری است و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها به شیوه پیمایش مقطعی می‌باشد. جامعه آماری اولیه عبارت بودند از تمامی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در شهرستان کرمانشاه مشغول به تحصیل بودند که بر اساس استعلام از آموزش و پرورش

منطقه برابر با ۶۰ هزار نفر بود. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای بود و تعداد نمونه‌ها با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری بدین صورت بود که ابتدا مجوزهای لازم از آموزش و پرورش کل استان کرمانشاه گرفته شد و پس از اخذ مجوز، ابتدا شهر کرمانشاه به سه ناحیه طبق تقسیم‌بندی آموزش و پرورش تقسیم شد و از بین نواحی آموزش و پرورش استان به شکل تصادفی، دو ناحیه انتخاب شد و سپس از بین مدارس دخترانه دوره دوم متوسطه دوم در هر ناحیه، ۳ مدرسه به تصادف انتخاب شد و در مرحله بعد از هر مدرسه و از هر سه رشته ریاضی فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی در دوره دوم متوسطه یک کلاس انتخاب شد و از دانش‌آموزان آن کلاس درخواست شد که به صورت داوطلبانه و آگاهانه و رضایتمندانه به سؤالات پرسشنامه‌ها پاسخ دهند، به نمونه‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات دریافتی محرمانه می‌ماند، همچنین نمونه‌ها هر زمان که تمایل داشتند می‌توانستند از پژوهش خارج شوند تا نمونه‌های دیگری جایگزین شوند. به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز در اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، از چند پرسشنامه به شرح زیر استفاده شد:

پرسشنامه پرخاشگری: این پرسشنامه یک ابزار ۳۰ سؤالی است که میزان پرخاشگری را در افراد و دانش‌آموزان مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. این پرسشنامه توسط آیزنک و گلن ویلسون در سال ۱۹۷۵ و در طیف سه درجه‌ای (بله، خیر، نمی‌دانم) تهیه شد. وایی این آزمون را آیزنک تعیین کرد. بدین ترتیب که آن را، برای انجام دادن کارهای کلینیکی تهیه و روی بیش از ۱۲۰۰۰۰ زن، مرد، کودک، افراد بالغ، بهنجار، عصبی، بیمار روانی، تب‌هکار و ضمناً ۲۰۰۰ زوج دوقلو و افزون بر آن تعداد زیادی افراد بالغ و کودک نیز که در تهیه الگوهای اولیه هنجارها از آنها استفاده شده بود، اجرا کرده است (آیزنک، ۱۹۷۵، به نقل از گنجی، ۱۴۰۰، ص. ۷۶). شیوه نمره‌گذاری به این صورت است که در مقابل اعداد ۱ تا ۳۰ که در واقع شماره سؤالات ۱ تا ۳۰ است، علائم + و - وجود دارد، اگر علامت سؤال + باشد و آزمودنی نیز پاسخ مثبت (بلی) بدهد، دو نمره دریافت خواهد کرد؛ اما اگر پاسخ منفی بدهد نمره نخواهد گرفت؛ یعنی اگر به پاسخی که علامت مثبت دارد، پاسخ نمی‌دانم بدهد، یک نمره دریافت خواهد کرد. حداکثر نمره در این آزمون ۶۰ و حداقل آن صفر می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت که نمره ۳۰، ۲۰ تا ۳۰، پرخاشگری در حد متوسط را نشان خواهد داد. استفاده‌کنندگان می‌توانند، برحسب موارد، نمرات را طبقه‌بندی کنند. مثلاً بالاتر از ۴۵ را نشانه پرخاشگری در نظر بگیرند. روایی و پایایی این آزمون را آیزنک نیز تأیید کرد (آیزنک، ۱۹۷۵، به نقل از شایق بروجنی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۶۸)، این پرسشنامه بارها در خارج و داخل کشور مورد استفاده قرار گرفته است و روایی و پایایی آن مورد تأیید است (ملکی و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۲۷). دامنه ضرایب پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش درتاج، مصائبی و اسدزاده (۱۳۸۸) از ۰/۶۹ تا ۰/۷۴ است (درتاج، و همکاران، ۱۳۸۸، ص. ۶۳). روایی پرسشنامه در پژوهش حاضر بر اساس نظرات ۱۰ نفر از صاحب‌نظران علوم تربیتی مطلوب بود. در پژوهش حاضر، پرسشنامه به طور مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از نمونه‌ها بررسی شد و که ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۰۲ بود، لذا پایایی پرسشنامه در این پژوهش نیز تأیید شد.

پرسشنامه تعارض والد-فرزند: پرسشنامه تعارض والد-فرزند برای اولین بار برای اولین بار توسط فاین، مورلند و شوبل در سال ۱۹۸۳ برای سنجیدن کیفیت روابط والد-فرزند تهیه شده است. این مقیاس با هدف سنجیدن کیفیت روابط والد-فرزند ساخته شده و یک ابزار ۱۵ سؤالی است که سه تاکتیک حل تعارض یعنی استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی را می‌سنجد. سؤال‌های پرسشنامه دارای پنج درجه از خیلی کم تا خیلی زیاد هستند که میزان بروز رفتار در هر پرسش را نشان می‌دهند. دامنه نمرات برای کل آزمون بین ۱۵ تا ۷۵ است که نمره ۱۵ نشان‌دهنده عدم تعارض و نمره ۷۵ نشان‌دهنده وخیم بودن رابطه است. روایی و پایایی این ابزار در فرهنگ اصلی بررسی و تأیید شده است (فاین، مورلند و شوبل، ۱۹۸۳، ص. ۷۰۳). همچنین این پرسشنامه توسط زابلی، ثنایی ذاکر و حمیدی در سال ۱۳۸۳ بر روی ۴۶ نفر اجرا گردید، و ضمن تأیید روایی محتوایی، پایایی آن نیز برای کل آزمون ۰/۷۴ و برای خرده‌مقیاس استدلال ۰/۵۸، پرخاشگری کلامی ۰/۶۵ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۲ گزارش نمود. روایی پرسشنامه در پژوهش حاضر

بر اساس نظرات ۱۰ نفر از صاحب‌نظران علوم تربیتی مطلوب بود. همچنین پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر به‌طور مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از نمونه‌ها بررسی شد و که ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲۶ بود؛ لذا پایایی پرسشنامه نیز تأیید شد.

پرسشنامه عملکرد خانواده اصلی: این پرسشنامه توسط هاوشتات، اندرسون، پیرسی، کوچران و فاین در سال ۱۹۸۵ تهیه شد که یک ابزار ۴۰ سؤالی است و برای سنجیدن ادراک و استنباط فرد از میزان سلامت خانواده اصلی‌اش تدوین شده است. مقیاس خانواده اصلی بر استقلال و صمیمیت به‌عنوان دو مفهوم کلی در حیات یک خانواده سالم تمرکز دارد. حداقل و حداکثر نمره به‌ترتیب برابر با ۹۰ و ۲۰۰ می‌باشد که نمرات بالاتر نشانه سلامت بیشتر خانواده اصلی است. پایایی پرسشنامه توسط سازندگان آن بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷۵ گزارش شده است (ثنائی، علاقیند، فلاحتی، هومن، ۱۳۸۷، ص. ۸۶)، همچنین در پژوهش ثنائی و همکاران (۱۳۸۷) طریق باز آزمایی دوهفته‌ای در بعد استقلال و صمیمیت به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۳ برآورد شد. در پژوهش حسینیان، یزدی و جاسبی (۱۳۸۶) روایی این مقیاس مورد تأیید چند تن از استادان مشاوره کشور قرارگرفت و پایایی آن برای کل مقیاس ۰/۹۴ و برای ابعاد استقلال و صمیمیت به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۹ بود. روایی پرسشنامه در پژوهش حاضر بر اساس نظرات ۱۰ نفر از صاحب‌نظران علوم تربیتی مطلوب بود. همچنین پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر به‌طور مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از نمونه‌ها بررسی شد و که ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱۰ بود، لذا پایایی پرسشنامه نیز تأیید شد.

پرسشنامه کمال‌گرایی: این مقیاس را تری-شورت و همکاران (۱۹۹۵) طراحی کرده‌اند. این مقیاس یک آزمون ۴۰ سؤالی است که ۲۰ ماده آن کمال‌گرایی مثبت و ۲۰ ماده آن کمال‌گرایی منفی را می‌سنجد. پرسش‌ها در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم)، کمال‌گرایی فرد را از نمره یک تا نمره پنج در دو بعد مثبت و منفی اندازه‌گیری می‌کند. حداقل نمره در این پرسشنامه برابر با ۴۰ و حداکثر آن برابر با ۲۰۰ می‌باشد. روایی و پایایی پرسشنامه توسط سازندگان تأیید شد (بشارت، ۱۳۸۴). در ایران، بشارت (۱۳۸۴)، ضریب همسانی درونی کمال‌گرایی مثبت و کمال‌گرایی منفی را به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۷ به‌دست آورد. طی بررسی مقدماتی توسط توتونچی، سامانی و زندی قشقایی (۱۳۹۱)، ضریب آلفای کرونباخ برای دو بعد کمال‌گرایی مثبت و منفی به ۰/۷۷ و ۰/۷۹ گزارش شد. در پژوهش هوشمندی (۱۳۹۳) برای تعیین روایی پرسشنامه از روایی محتوا استفاده شده است. بدین صورت که پرسشنامه، در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران سازمان و مدیریت قرار گرفته است در نتیجه مواردی برای اصلاح پیشنهاد شد و سرانجام پس از اعمال اصلاحات در پاره‌ای از موارد پرسشنامه نهایی مورد استفاده قرار گرفت. در پژوهش هوشمندی (۱۳۹۳) پایایی مؤلفه‌های پرسشنامه بر اساس روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ به‌دست آمده و با اصلاحات لازم پرسشنامه نهایی طراحی شد و در نهایت بر روی گروه نمونه آماری اصلی به اجرا گذاشته شد. روایی پرسشنامه در پژوهش حاضر بر اساس نظرات ۱۰ نفر از صاحب‌نظران علوم تربیتی مطلوب بود. همچنین پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر به‌طور مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از نمونه‌ها بررسی شد و که ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲۰ بود، لذا پایایی پرسشنامه نیز تأیید شد.

پرسشنامه سبک‌های هویت: برزونسکی، سانس، لویک و همکاران (۲۰۱۳) این پرسشنامه را طراحی کردند که از طریق ۲۷ گویه سه سبک پردازش هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم اجتنابی را می‌سنجد. نسخه پنجم حاوی مقیاس نه گویه سبک اطلاعاتی با ضریب ۰/۷۴، مقیاس نه گویه‌ای سبک هنجاری با ضریب ۰/۷۵ و مقیاس نه گویه‌ای سبک سردرگم / اجتنابی با ضریب ۰/۷۹ است. در این مقیاس نمره پاسخ‌ها بر مبنای طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالف = ۱ تا حدودی مخالف = ۲، مطمئن نیستم = ۳ تا حدودی موافق = ۴ و کاملاً موافق = ۵) مشخص می‌شود. دامنه نمرات پرسشنامه بین ۲۷ تا ۱۳۵ می‌باشد. برزونسکی و همکاران (۲۰۱۳) ضریب اعتبار این آزمون را در خرده‌آزمون‌ها از ۰/۷۷ تا ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز مرزبان، عابدی و نیلفروشان (۱۳۹۷) روایی و پایایی این پرسشنامه را در نوجوانان موردبررسی قرار داده‌اند، نتایج این بررسی نشان دادند که ساختار سه عاملی پرسشنامه برازش کافی را دارد. ضرایب آلفای کرونباخ برای سه زیر مقیاس این آزمون از ۰/۶۷ تا ۰/۷۹ به‌دست آمد. ضرایب باز آزمایی خرده‌مقیاس‌های

سه گانه پرسش نامه از ۰/۷۷ تا ۰/۸۱ به دست آمد. یافته‌ها نشان می‌دهند نسخه فارسی پرسشنامه سبک‌های هویت در نمونه ایرانی از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است و قابلیت استفاده در پژوهش را دارد (مرزبان و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۶۲). روایی پرسشنامه در پژوهش حاضر بر اساس نظرات ۱۰ نفر از صاحب‌نظران علوم تربیتی مطلوب بود. همچنین پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر به‌طور مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از نمونه‌ها بررسی شد و که ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۴۹ بود؛ لذا پایایی پرسشنامه نیز تأیید شد.

شیوه اجرای پژوهش: این پژوهش در سال ۱۴۰۱ و در سطح دبیرستان‌های دخترانه دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه انجام شد. پس از نمونه‌گیری، ابزار پژوهش در اختیار نمونه‌ها قرار گرفت و پس از گردآوری داده‌ها، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شد و بدین‌منظور نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و SmartPLS نسخه ۳ مورد استفاده قرار گرفت. روش آمار توصیفی و جمعیت شناختی، شامل توصیف فراوانی، تعیین شاخصه‌های مرکزی و پراکندگی درصد فراوانی نسبی و فراوانی تجمعی بود. در روش آمار استنباطی جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق فرضیه‌های تحقیق از آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها (کولموگوروف-اسمیرنوف^۱)، روش‌های تحلیل عاملی^۲ و تحلیل مسیر و حداقل سازی مربعات جزئی با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری^۳ (SEM) استفاده شد. مدل معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده^۴ و متغیرهای مکنون^۵ می‌باشد (هویل، ۱۹۹۵)، مدل معادلات ساختاری یا یک ساختار علی خاص بین مجموعه‌ای از سازه‌های غیرقابل مشاهده است. از طریق این رویکرد می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص با استفاده از داده‌های همبستگی، غیرآزمایشی، آزمایشی، غیرآزمایشی، آزمایشی نمود. از طریق این، رویکرد می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص با استفاده از داده‌های همبستگی، غیرآزمایشی، آزمایشی نمود. در تحقیق حاضر، مدل سازی معادلات ساختاری با استفاده از تکنیک PLS^۶ انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ۳۸۴ دانش‌آموز دختر شرکت داشتند که ۶۱.۵ درصد از دبیرستان‌های دولتی و ۳۸.۵ درصد از مدارس غیردولتی بودند. بیشترین فراوانی مربوط به پایه دوازدهم با ۴۸.۴ درصد و نمونه‌های پایه دهم با ۲۴.۷ درصد کمترین فراوانی را داشتند. از نظر گروه سنی، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۷ و ۱۸ سال بود و گروه بالای ۱۸ سال، کمترین درصد فراوانی را داشتند. در جدول شماره ۱، توصیف جمعیت شناختی نمونه‌ها نشان داده شده است.

جدول شماره ۱. توصیف جمعیت شناختی نمونه‌های تحقیق

نوع مدرسه	فراوانی	درصد	پایه تحصیلی	فراوانی	درصد	گروه سنی	فراوانی	درصد
دولتی	۲۳۶	۶۱/۵	دهم	۹۵	۲۴/۷	۱۶ سال و پایین تر	۹۳	۲۲/۴
غیر دولتی	۱۴۸	۳۸/۵	یازدهم	۱۰۳	۲۶/۸	۱۷ و ۱۸ سال	۲۷۳	۷۱/۱
جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰	دوازدهم	۱۸۶	۴۸/۴	بالای ۱۸ سال	۱۸	۴/۷
			جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰	جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰

در جدول شماره ۲، شاخصه‌های مرکزی و پراکندگی نشان داده شده است.

1. Kolmogorov-Smirnov

2. Factor Analysis

3. Structural Equation Modeling

4. Observed

5. Latent

6. Partial Least Squares

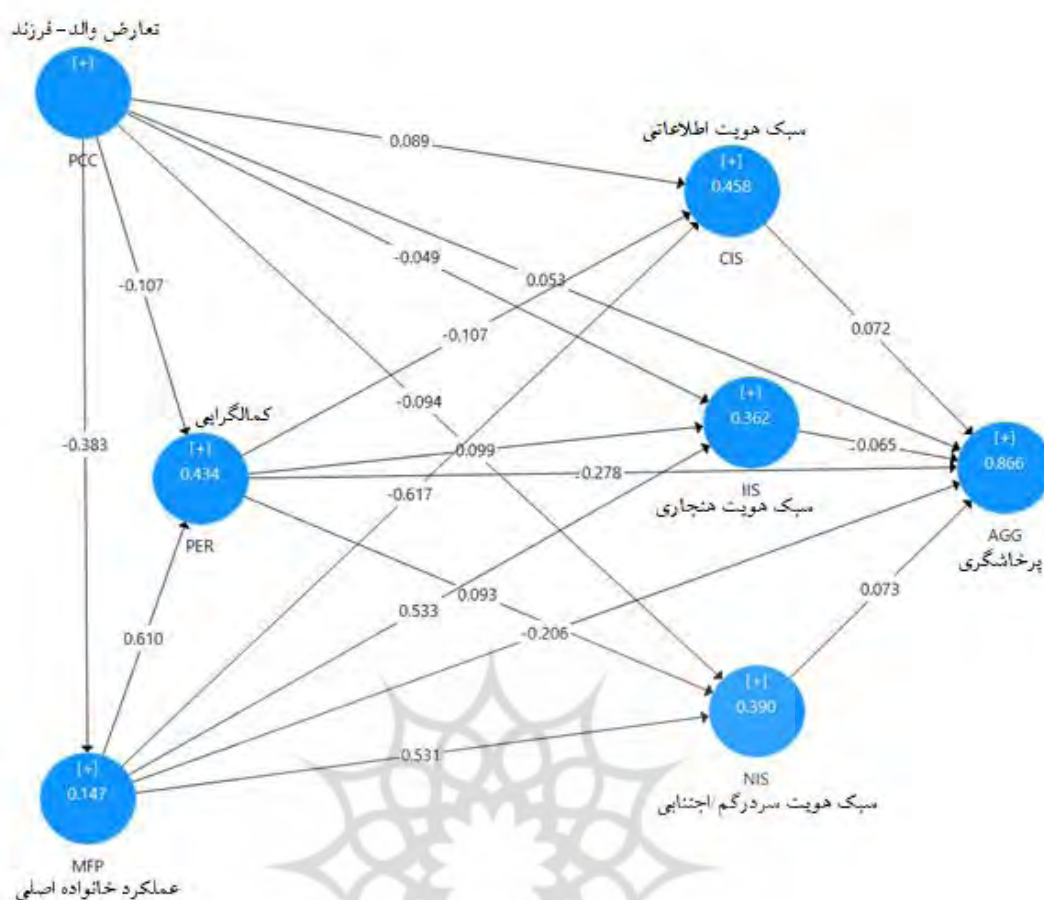
جدول شماره ۲. شاخصه‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
تعارض والد- فرزند	۳۸۴	۱/۷۴۲	۰/۹۷۵	۰/۶۳۲	۱/۴۷۹	۱/۸۳۳
عملکرد خانواده اصلی	۳۸۴	۳/۵۹۵	۰/۴۶۹	۰/۲۲۰	-۰/۷۷۴	۰/۲۴۹
پرخاشگری	۳۸۴	۰/۷۴۸	۰/۵۶۴	۰/۳۱۸	۰/۶۶۶	-۰/۶۹۲
کمال‌گرایی	۳۸۴	۲/۹۳۰	۰/۶۲۶	۰/۳۹۱	-۰/۴۰۰	۰/۱۸۱
سبک هویت سردرگم- اجتنابی	۳۸۴	۲/۵۹۰	۰/۸۱۴	۰/۶۶۲	۰/۱۵۹	-۰/۴۴۸
سبک هویت اطلاعاتی	۳۸۴	۲/۹۷۹	۰/۷۷۷	۰/۶۰۳	-۰/۱۸۵	-۰/۴۲۷
سبک هویت هنجاری	۳۸۴	۳/۰۹۷	۰/۶۵۸	۰/۴۳۳	-۰/۳۷۷	۰/۱۱۳

بر اطلاعات جدول شماره ۲، میانگین متغیر تعارض والد-فرزند (۱/۷۴۲)، کمتر از مقدار متوسط این شاخص (۲/۵) می‌باشد. میانگین متغیر عملکرد خانواده اصلی (۳/۵۹۵) بیشتر از مقدار متوسط شاخص (۳) می‌باشد. میانگین متغیر پرخاشگری (۰/۷۴۸) کمتر از مقدار متوسط شاخص (۱) می‌باشد. میانگین متغیر سبک‌های هویت نشان می‌دهد که متغیرهای سبک هویت سردرگم-اجتنابی (۲/۵۹۰) و سبک هویت اطلاعاتی (۲/۹۷۹) کمتر از مقدار متوسط شاخص (۳) می‌باشد و مقدار متوسط سبک هویت هنجاری (۳/۰۹۷) بیشتر از مقدار متوسط شاخص می‌باشد.

بر اساس نتایج آزمون KMO تعداد نمونه‌ها برای انجام مدل‌سازی کافی بود و همچنین سطح معناداری نشان داد که ماتریس همبستگی متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای همبسته است و همبستگی میان داده‌ها مناسب است ($P=0.000$, $KMO=0.793$). همچنین جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف^۱ استفاده شد که نشان داد که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند. در ادامه با استفاده از آزمون تحلیل عاملی تأییدی، آزمون همبستگی پیرسون و آزمون مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی^۲ (PLS) جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. دلیل استفاده از این نرم افزار برای مدل‌سازی، حساس نبودن به نرمال بودن توزیع داده‌ها می‌باشد. همچنین در ادامه بررسی اعتبار تمامی متغیرها (روایی و پایایی) در حد قابل قبولی می‌باشد ($CR > 0.7$, $AVE > 0.5$, $\rho_A > 0.7$ و ضریب آلفای کرونباخ).

مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی (PLS) آزمون شد. روش‌های معادله ساختاری میزان و شدت روابط فرضی میان متغیرها را در یک مدل نظری تخمین می‌زند. این تکنیک‌ها اثر مستقیم یک متغیر بر متغیر دیگر و نیز اثر متغیر دیگری که بین این دو متغیر واقع می‌شوند (متغیرهای مداخله‌گر یا واسطه‌ای)، را نشان می‌دهند. در صورتی که بتوان تصور کرد که مدل فرضی صحیح می‌باشد، می‌توان گفت که اطلاعات منتج از مدل دقیقاً فراگردهای اساسی (علی) بین متغیرها را نشان می‌دهند (مارویاما ترجمه رسول‌زاده اقدام، ۱۳۸۹). مدل پژوهش در حالت ضرایب استاندارد شده در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.



شکل شماره ۱. آزمون مدل پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده

آزمون مدل پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده نشان می‌دهد که سطح معناداری ارتباط متغیرها در اغلب مسیرها کمتر از ۰/۰۵ در فاصله اطمینان ۰/۹۵ می‌باشد. همچنین آزمون مدل در حالت معناداری، نشان داد مقادیر t در ارتباط میان متغیرها بیشتر از ۱/۹۶ در فاصله اطمینان ۰/۹۵ و یا بیشتر از ۲/۵۸ در فاصله اطمینان ۰/۹۹ می‌باشد، لذا می‌توان گفت ارتباط میان متغیرها معنادار می‌باشد.

در جدول شماره ۳، مقادیر ضرایب استاندارد شده، مقدار t و سطح معناداری مسیرها نشان داده شده است.

جدول شماره ۳. بررسی ضرایب استاندارد شده، مقدار t و سطح معناداری

ردیف	مسیر رابطه	ضریب	مقدار t	مقدار P	نتیجه
۱	سبک هویت سردرگم-اجتنابی < پرخاشگری	-۰/۰۷۸	۱/۹۸۵	۰/۰۴۸	$P > ۰.۰۵$
۲	سبک هویت اطلاعاتی < پرخاشگری	۰/۱۰۳	۱/۲۸۷	۰/۱۹۹	$P > ۰.۰۵$
۳	عملکرد خانواده اصلی < پرخاشگری	-۰/۷۷۵	۱۵/۰۴۸	۰/۰۰۰	$P < ۰.۰۵$
۴	عملکرد خانواده اصلی < سبک هویت سردرگم-اجتنابی	۰/۴۹۲	۹/۹۵۹	۰/۰۰۰	$P < ۰.۰۵$
۵	عملکرد خانواده اصلی < سبک هویت اطلاعاتی	۰/۲۷۹	۵/۰۸۲	۰/۰۰۰	$P < ۰.۰۵$
۶	عملکرد خانواده اصلی < سبک هویت هنجاری	۰/۳۰۶	۵/۵۳	۰/۰۰۰	$P < ۰.۰۵$
۷	عملکرد خانواده اصلی < کمال‌گرایی	-۰/۵۰۹	۱۵/۳۵۲	۰/۰۰۰	$P < ۰.۰۵$
۸	سبک هویت هنجاری < پرخاشگری	۰/۰۲۶	۰/۳۱۶	۰/۷۵۲	$P > ۰.۰۵$
۹	تعارض والد-فرزند < پرخاشگری	۰/۱۳۷	۳/۰۹۲	۰/۰۰۲	$P < ۰.۰۵$
۱۰	تعارض والد-فرزند < سبک هویت سردرگم-اجتنابی	۰/۰۹۳	۱/۹۳۴	۰/۰۰۱	$P > ۰.۰۵$

۱۱	تعارض والد - فرزند - سبک هویت اطلاعاتی	۰/۰۰۹	۰/۲۰۵	۰/۸۳۸	$P > ۰.۰۵$
۱۲	تعارض والد - فرزند - عملکرد خانواده اصلی	۰/۳۶۴	۹/۶۹۲	۰/۰۰۰	$P < ۰.۰۵$
۱۳	تعارض والد - فرزند - سبک هویت هنجاری	-۰/۰۱۹	۰/۴۴	۰/۶۶	$P < ۰.۰۵$
۱۴	تعارض والد - فرزند - کمال‌گرایی	۰/۲۵۶	۷/۳۸۶	۰/۰۰۰	$P < ۰.۰۵$
۱۵	کمال‌گرایی - پرخاشگری	۰/۱۲۲	۳/۰۲۲	۰/۰۰۳	$P < ۰.۰۵$
۱۶	کمال‌گرایی - سبک هویت سردرگم - اجتنابی	۰/۲۴۸	۰/۰۴۴۳	۰/۰۰۰	$P < ۰.۰۵$
۱۷	کمال‌گرایی - سبک هویت اطلاعاتی	-۰/۵۱۵	۹/۶۳۲	۰/۰۰۰	$P < ۰.۰۵$
۱۸	کمال‌گرایی - سبک هویت هنجاری	-۰/۴۷۹	۹/۱۲۴	۰/۰۰۰	$P < ۰.۰۵$

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۳، در اغلب مسیرها، ارتباط معناداری میان متغیرها وجود داشته است و تنها در مسیر ردیف‌های ۲، ۸ و ۱۱ ارتباط معناداری وجود نداشته است.

ارتباط غیرمستقیم متغیرهای میانجی را از طریق آزمون سوبل^۱ بررسی شد. در صورت بیشتر شدن مقدار آزمون سوبل از ۱.۹۶ می‌توان در سطح ۹۵ درصد معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تأیید نمود. نتایج آزمون سوبل در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول شماره ۴. نتایج آزمون سوبل برای تعیین ارتباط غیرمستقیم متغیرها با پرخاشگری

متغیر مستقل	متغیر میانجی	a	Sa	b	Sb	مقدار سوبل	سطح معناداری
تعارض والد - فرزند	کمال‌گرایی	۰/۱۵۱	۰/۰۵۶	۰/۳۴۰	۰/۰۳۲	۲/۵۷۶	۰/۰۰۹
	سبک هویت سردرگم	۰/۱۸۷	۰/۰۳۵	۰/۳۴۰	۰/۰۳۲	۴/۵۵۵	۰/۰۰۰
	سبک هویت اطلاعاتی	-۰/۰۹۵	۰/۰۴۶	۰/۳۴۰	۰/۰۳۲	۲/۰۰۱	۰/۰۴۴
	سبک هویت هنجاری	-۰/۰۶۱	۰/۰۲۸	۰/۳۴۰	۰/۰۳۲	۲/۱۱۳	۰/۰۳۴
عملکرد خانواده اصلی	کمال‌گرایی	۰/۱۵	۰/۰۴۴	-۰/۹۳۴	۰/۰۳۹	۳/۳۷	۰/۰۰۰
	سبک هویت سردرگم	-۰/۰۹۳	۰/۰۳۲	-۰/۹۳۴	۰/۰۳۹	۲/۸۸	۰/۰۰۳
	سبک هویت اطلاعاتی	۰/۰۶۸	۰/۰۲۵	-۰/۹۳۴	۰/۰۳۹	۲/۷۰	۰/۰۰۶
	سبک هویت هنجاری	۰/۰۶۵	۰/۰۲۳	-۰/۹۳۴	۰/۰۳۹	۲/۸۰	۰/۰۰۵

با توجه به نتایج جدول‌های بالا، سطح معناداری مقادیر آزمون سوبل کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد. همچنین مقدار سوبل بیشتر از ۱.۹۶ می‌باشد، بنابراین می‌توان بیان کرد که با احتمال ۹۵٪ کمال‌گرایی و سبک‌های هویت در رابطه بین تعارض والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی با پرخاشگری، نقش میانجی دارند. در جدول شماره ۵ نتایج بررسی شاخص‌های برازش مدل ارائه شده است.

جدول شماره ۵. شاخص‌های برازش مدل

متغیرهای وابسته	R^2 (ضریب تعیین)	Q^2 (اعتبار افزونگی)	نتیجه
پرخاشگری	۰/۶۴۱	۰/۳۱۳	برازش مناسب
سبک هویت سردرگم - اجتنابی	۰/۴۹۲	۰/۲۶۵	برازش مناسب
سبک هویت اطلاعاتی	۰/۵۱۵	۰/۲۰۸	برازش مناسب
سبک هویت هنجاری	۰/۴۱۳	۰/۲۰۷	برازش مناسب
عملکرد خانواده اصلی	۰/۵۲۰	۰/۲۴۶	برازش مناسب
کمال‌گرایی	۰/۴۴۲	۰/۲۹۲	برازش مناسب

شاخص	مقدار شاخص در مدل	مقدار مجاز	نتیجه
GOF	۰/۴۳۸	بالا تر ۰/۲۵	برازش مناسب
SRMR	۰/۰۷۸	کمتر از ۰/۰۸	برازش مناسب
d_ULS	۵/۲۴۰	کمتر از ۰/۹۵	برازش نامناسب
d_G	۰/۹۲	کمتر از ۰/۹۵	برازش مناسب
NFI	۰/۷۰۳	بین صفر تا یک	برازش مناسب

در مجموع با توجه به اینکه مقدار اغلب شاخص‌های برازش مدل مناسب بوده‌اند، می‌توان گفت که برازش مدل مطلوب است.

نتیجه‌گیری و بحث

پژوهش حاضر به دنبال ارائه مدل نقش تعارض والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی بر پرخاشگری با میانجی‌گری کمال‌گرایی و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان بود. رفتار پرخاشگرانه در میان نوجوانان به عنوان یک مشکل جدی در سراسر جهان شناسایی شده است، به‌ویژه هنگامی که با ویژگی تکانشگری همراه باشد (لیشم و ماشال، ۲۰۲۴، ص. ۱). تحقیقات فزاینده‌ای نشان داده است که کودکان از سنین پایین پرخاشگرانه رفتار می‌کنند. در دهه‌های اخیر، چنین رفتاری به کانون توجه علمی تبدیل شده است، نه تنها به دلیل پیامدهای نامطلوب این فعل و انفعالات، بلکه به این دلیل که سطوح بالای پرخاشگری، به‌ویژه در سنین پایین، ممکن است یک عامل خطر برای استفاده از اشکال دیگر مانند قلدری در سنین بالاتر باشد (ناوارو و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۱۵۵۵). یافته‌ها نشان داد که تعارض والد-فرزند به‌صورت مستقیم بر پرخاشگری دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه تأثیر دارد. این یافته‌ها تا حدودی با یافته‌های نوفو و همکاران (۲۰۲۳)، مستروتهدوروس و همکاران (۲۰۲۰)، سمتانا و روته (۲۰۱۹)، میلر و همکاران (۲۰۱۷)، زاگفکا، کلارک، کابلی و همکاران (۲۰۲۱)، رولینز و همکاران (۲۰۱۸)، ژانگ و همکاران (۲۰۱۶)، ایتاهاشی، اوکادا، آندو و همکاران (۲۰۲۰)، بهروزی، فرزادی و فرامری (۱۳۹۵)، میرزایی کوتنایی و همکاران (۱۳۹۴) و شهنی بیلاق، عزیزی و مکتبی (۱۳۹۲) همخوانی دارد که به‌طور پیوسته تأیید نمودند تعارض والد-فرزند با پرخاشگری مرتبط هستند. نتیجه به دست آمده را بر اساس نتایج مطالعات و سمتانا و روته (۲۰۱۹) می‌توان این‌گونه تبیین نمود که نحوه تعامل و صحبت والدین با فرزندان با پرخاشگری فیزیکی و اجتماعی آنها مرتبط است. به زعم میتر و همکاران (۲۰۲۱)، خانواده زمینه‌ای است که در آن فرزندان مهارت‌ها یا نقص‌های اجتماعی را به دست می‌آورند و سبک تربیت والدین ممکن است به‌عنوان الگویی باشد که کودکان و نوجوانان در تعاملات با همسالان خود از آن تقلید می‌کنند و ارتباط متقابل والدین و فرزندان به منزله سرچشمه‌های رفاه و حمایت جسمی و روانی متقابل می‌باشند. خانه‌ای که محیط آن ویژگی‌های چون نزاع، سرزنش و ناسازگاری دارد، بر والدین و فرزندان، هر دو اثرات زیانباری می‌گذارد و نزاعهای شدید بین والدین، احساسات منفی کودکان را به دنبال می‌آورد (پدرسون و همکاران، ۱۹۷۷). اعضای خانواده چون با یکدیگر تعاملات زیادی دارند، ممکن است در بین آنها تعارض ایجاد شود و به یکپارچگی و وحدت خانواده لطمه وارد کند و شدت تعارض موجب بروز نزاع، پرخاشگری، ستیزه‌جویی و سرانجام اضمحلال خانواده گردد، کانون خانوادگی که بر اثر تعارض وجدال بین اعضای آن آشفته است، محیط امن روانی را که در خانواده باید وجود داشته باشد، از اعضای آن می‌گیرد و سبب بروز مشکلات می‌شود (شهنی بیلاق و همکاران، ۱۳۹۲). افزون بر این، یک چهارچوب نظری مهم که از آن می‌توان در مورد پیوندهای بین تعارضات والد-فرزند و پرخاشگری فرزند استفاده کرد، نظریه دل‌بستگی است. تئوری دل‌بستگی پیشنهاد می‌کند که تجربیات اولیه خانواده مبنای مهمی برای توسعه روابط بعدی با همسالان است (میچلیس، گریتنس، و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین آموزش مهارت لازم و آگاه‌سازی والدین و فرزندان، موجب رفع تعارض بین آنها می‌شود (مهری نژاد، صدری، رمضان ساعتچی و غفاری، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۰).

یافته‌ها نشان داد عملکرد خانواده اصلی به صورت مستقیم بر پرخشگری دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه تأثیر دارد. این یافته‌ها در راستای یافته‌های متیوز (۲۰۲۳) می‌باشد که نشان داد عملکرد خانواده یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های پرخشگری نوجوانان است، این یافته‌ها با یافته‌های اولیوروس و کلمن (۲۰۲۱) منطبق است که نشان دادند خشونت در خانواده اصلی، پرخشگری بزرگسالان با همسرانشان را در آینده پیش‌بینی می‌کند. همچنین این یافته‌ها منطبق با یافته‌های ویزر و وایگل (۲۰۱۷) می‌باشد که نشان دادند افراد تمایل دارند الگوهایی را که در دوران رشد خانواده‌شان مشاهده کرده‌اند تکرار کنند. این نتایج را بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، می‌توان این گونه تبیین نمود که کودکان از الگوهای بزرگسالی که در معرض آنها قرار می‌گیرند، تقلید می‌کنند و رفتار آنها را تکرار می‌کنند (بندورا و والتر، ۱۹۷۷؛ بندورا، راس و راس، ۱۹۶۱). این مکانیسم کلی همچنین در زمینه نحوه رفتار پرخشگرانه افراد در روابط خود نشان داده شده است، همچنین به نظر مرادی و ثنایی (۱۳۸۵) کانون خانواده‌ای که بر اثر تعارض و جدال بین اعضای آن آشفته است، محیط امن روانی و روحی که در خانواده باید وجود داشته باشد را از اعضای آن می‌گیرد و باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای اعضای آن می‌شود.

بخش دیگری از یافته‌های پژوهش نشان داد تعارض والد- فرزند به صورت غیرمستقیم با میانجی‌گری کمال‌گرایی و سبک‌های هویت بر پرخشگری دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه تأثیر دارد. ارتباط معنادار کمال‌گرایی با سبک‌های هویت در این بخش از یافته‌ها تا حدودی با یافته‌های باپچوک و همکاران (۲۰۲۳)، پیوتروسکی، بویانوفسکا، نوویچکا و یاناسک (۲۰۲۱)، پیوتروسکی (۲۰۱۹)، تخمه‌فروشان خیابانی و حدیدی تمجید (۲۰۱۷)، شریعتی و خالقی‌پور (۱۴۰۲)، غلامی و غفاری (۱۳۹۶)، نادری نوبندگان، مهرآورمونی و حسینیان (۱۳۹۳) و خیرالدین (۱۳۹۱) همخوانی دارد. همچنین تأثیر سبک‌های هویت بر پرخشگری در این بخش از یافته‌ها منطبق بر یافته‌های الهام (۲۰۱۶)، واترمن (۲۰۰۷)، ولیوراس و بسمه (۲۰۰۵)، آرچر (۱۹۸۲)، برزونسکی (۱۹۹۰) و ابوالمعالی، افضل‌قادی و بیدخوری (۱۳۹۴) می‌باشد.

نتیجه به دست آمده را می‌توان بر اساس فرضیه سرخوردگی- پرخشگری (برکوویتز، ۱۹۸۹؛ برور و السون، ۲۰۱۷) این گونه تبیین نمود که پرخشگری اغلب به دلیل عاطفه منفی ناشی از یک هدف محقق نشده ایجاد می‌شود، همچنین به اعتقاد تعدادی از صاحب‌نظران کمال‌گرایی ناسازگار با سطوح زیادی از خشم و خصومت و ویژگی‌های شخصیتی پرخشگر مرتبط است (رویز استبان و همکاران، ۲۰۲۱؛ گورگوا و اسلاچکوا، ۲۰۱۸، ویسنت، انگلس، سانمارتین و همکاران، ۲۰۱۸؛ چستر، نروین و دیوال، ۲۰۱۵؛ مکدو، سورس، آمارال و همکاران، ۲۰۱۵) و تلاش ناموفق برای رسیدن به هدف، پرخشگری را از طریق عاطفه منفی ایجاد می‌کند (مثلاً مدل پرخشگری عمومی؛ اندرسون و بوشمن، ۲۰۰۲). کمال‌گرایان به دلیل تثبیت بیش‌ازحد خود بر روی اختلاف بین اهداف و عملکرد (اسلینی، رایس و اشبی، ۲۰۰۲)، احتمالاً واکنش عاطفی شدیدتری به شکست را تجربه می‌کنند که ممکن است آنها را به سمت پرخشگری متمایل کند (بسر، فلت و هیویت، ۲۰۰۴؛ دان، گوتوالز، دان و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین ارتباط سبک‌های هویت با پرخشگری را بر اساس نظریه رشد روانی- اجتماعی اریکسون (۱۹۶۸) می‌توان این گونه تبیین نمود که ایجاد یک حس پایدار و منسجم از هویت شخصی یک وظیفه رشدی در نوجوانی است و بر اساس مدل هویت- وضعیت مارسیا (۱۹۶۶) تفاوت‌های فردی در شکل‌گیری هویت در امتداد ابعاد کاوش و تعهد تعریف می‌شود. در این راستا فکر و رفتارهای پرخشگرانه توسط سبک‌های هویت پیش‌بینی می‌شود (الهام، ۲۰۱۶؛ واترمن، ۲۰۰۷، برزونسکی، ۱۹۹۰؛ ابوالمعالی، افضل‌قادی و بیدخوری، ۱۳۹۴). در تأیید این پیش‌بینی می‌توان گفت که در دیدگاه برزونسکی (۱۹۸۹، ۱۹۹۰) افراد با هویت سردرگم- اجتنابی معمولاً انتظار شکست و ناکامی را ندارند و به دلیل انعطاف‌پذیر نبودن و اعتماد به دیگران و ضعف در برقراری روابط صمیمانه، با مشکلات اجتماعی و تحصیلی زیادی روبه‌رو می‌شوند و معمولاً قبل از تصمیم‌گیری احساس ترس و اضطراب دارند. در این سبک نوجوان به ندرت می‌تواند تکانه‌های هیجانی مانند خشم را کنترل نمایند (الهام، ۲۰۱۶؛ ولیوراس و بسمه، ۲۰۰۵؛ متقی فر، ۱۳۸۳).

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص تأثیر تعارض والد- فرزند بر عملکرد خانواده اصلی با نتایج پژوهش تعدادی از صاحب‌نظران (میر و همکاران، ۲۰۲۱؛ مستر و تهودوروس و همکاران، ۲۰۲۰؛ سمتانا و روته، ۲۰۱۹؛ برانجه، ۲۰۱۸؛ میرن و همکاران، ۲۰۱۹؛

زاگفکا و همکاران، ۲۰۲۱؛ ریزر و همکاران، ۲۰۲۱؛ رولینز، ویلیامز و سیمز، ۲۰۱۸؛ اولیوروس و کلمن، ۲۰۲۱؛ جیا و همکاران، ۲۰۲۱؛ تریوود، ۲۰۱۴؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۶؛ ایتاهاشی و همکاران، ۲۰۲۰؛ آیزن و کین، ۲۰۱۵/۱۴۰۱) همخوانی داشته است. این نتایج در راستای یافته‌های سعیدمنش، سهروردی و جمال آبادی (۱۳۹۸)، رفاهی، داستان و اشرفی (۱۳۹۹)، چگنی، اسماعیل ابراهیمی و صاحبی (۱۳۹۸) و مرادی، زغبی قناد، عالی‌پور و سوادکوهی (۱۳۹۵) در خصوص تأثیر عملکرد خانواده اصلی بر روی پرخاشگری می‌باشد. به اعتقاد سون، چی و هارت (۲۰۲۳)، کنترل روان‌شناختی یکی از مکانیسم‌های زمینه‌ای است که خلق و خوی کودک و ناسازگاری کودک را به هم مرتبط می‌کند و کیفیت رابطه والد-کودک یک عامل محافظتی مهم است.

تأثیر کمال‌گرایی بر سبک‌های هویت را بر اساس یافته‌های پیوتروسکی و همکاران (۲۰۲۱) می‌توان این‌گونه تبیین نمود که کمال‌گرایی بر فرایندهای کاوش و تعهد که لازمه اصلی شکل‌گیری سبک‌های هویت می‌باشد، تأثیر می‌گذارد. اگر افراد میان خود واقعی، یعنی آنچه که هستند و خود آرمانی، یعنی آنچه که باید به آن برسند، فاصله‌ای منطقی بیابند، موجب افزایش تحرک و خلاقیت خواهد شد. ولی در صورتی که فرد دارای روحیه کمال‌گرایی افراطی و منفی باشد، به میزان گرایش به آرمان‌هایش، از خود واقعی‌اش دور می‌شود و دچار تضاد درونی می‌شود و به بحران هویت دچار می‌شود.

بر اساس یافته‌های الهام (۲۰۱۶)، ولیوراس و بسمه (۲۰۰۵) و متقی‌فر (۱۳۸۳)، و با تکیه بر دیدگاه برزونسکی (۱۹۹۰، ۱۹۸۹) فکر و رفتارهای پرخاشگرانه توسط سبک‌های هویت نیز پیش‌بینی می‌شود و این تأثیر را می‌توان این‌گونه تبیین نمود که افراد با هویت سردرگم-اجتنابی معمولاً انتظار شکست و ناکامی را ندارند و به دلیل انعطاف‌پذیر نبودن و اعتماد به دیگران و ضعف در برقراری روابط صمیمانه، با مشکلات اجتماعی و تحصیلی زیادی روبه‌رو می‌شوند و معمولاً قبل از تصمیم‌گیری احساس ترس و اضطراب دارند. در این سبک نوجوان به‌ندرت می‌تواند تکانه‌های هیجانی مانند خشم را کنترل نمایند.

تأثیر غیرمستقیم عملکرد خانواده اصلی بر پرخاشگری با میانجی‌گری کمال‌گرایی و سبک‌های هویت را بر اساس نتایج رویز استبان و همکاران (۲۰۲۱)، ویسنت و همکاران (۲۰۱۸)، جیا و همکاران (۲۰۲۱)، هاشمی گلستان و همکاران (۱۳۹۸) و سلیمیان و همکاران (۱۳۹۵) می‌توان این‌گونه تبیین نمود که خانواده اصلی از طریق عملکرد و تجارب اولیه خانواده به‌شدت بر رشد فرد تأثیر گذاشته و درک فرد از این تجارب و نحوه انطباق با آنها ممکن است کیفیت روابط فرد را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین به زعم اولیوروس و کلمن (۲۰۲۱) محیط اولیه خانواده می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی بر رشد و سطح تاب‌آوری فرزندان تأثیر گذاشته و فرد را مستعد بروز رفتار پرخاشگرانه کند. افزون بر این رشد ویژگی‌های روانی، اجتماعی و عاطفی در بزرگسالی مانند گرایش به رفتارهای پرخطر و پرخاشگری، سلامت روان و تاب‌آوری نیز عمیقاً تحت تأثیر جو خانواده، تجارب اولیه جسمی و ذهنی از خانواده مبدأ و رفتارهای والدینی به‌یادمانده از دوران کودکی می‌باشد. از طرفی طبق نظریه یادگیری اجتماعی، احتمال بروز، سیر و پیشرفت رفتار پرخاشگرانه به شکل قابل‌توجهی با عملکرد والدین در ارتباط و تعامل است (آکر و جنینگز، ۲۰۰۹). در این راستا گلاسز (۱۹۷۳) معتقد است نوجوان از طریق تعامل و درگیری عاطفی با اطرافیان و به‌خصوص والدین به توسعه هویت خود می‌پردازد (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین با توجه به سوابق ذکرشده نقش میانجی‌گری سبک‌های هویتی در رابطه بین عملکرد خانواده اصلی و پرخاشگری با نقش میانجی‌گری کمال‌گرایی نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. در همین راستا، مطالعات متعددی کمال‌گرایی را با سطوح بیشتری از خشم و خصومت صفت مرتبط دانستند و نشان دادند که کمال‌گرایی ارتباط مثبت بیشتری با ویژگی‌های شخصیتی پرخاشگر دارد (رویز استبان و همکاران، ۲۰۲۱؛ گورگوا و اسلاچکوا، ۲۰۱۸؛ ویسنت و همکاران، ۲۰۱۸، ۲۰۱۷؛ بویوک بایراکتار و ارل، ۲۰۱۴؛ آروگوئت، ادمان و یاتل، ۲۰۱۲). همچنین تلاش ناموفق برای رسیدن به هدف، پرخاشگری را از طریق عاطفه منفی ایجاد می‌کند (مثلاً مدل پرخاشگری عمومی؛ اندرسون و بوشمن، ۲۰۰۲).

از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر، بروز پاندومی کرونا بود که بر فضای حاکم بر تحقیق سایه افکنده بود، جمع‌آوری اطلاعات با دشواری همراه بود و به علت افت آماری، به ناچار نمونه‌های دیگری جایگزین شدند. همچنین ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه بود که دارای محدودیت‌های ذاتی است.

با توجه به نقش میانجی کمال‌گرایی و سبک‌های هویت در پیش‌بینی ارتباط میان تعارضات والد-فرزند و عملکرد خانواده با پرخاشگری پیشنهاد می‌شود، آموزش مفاهیم سبک‌های هویت و کمال‌گرایی برای دانش‌آموزان و والدین آنها مورد توجه مسئولان قرار گیرد، در این راستا نقش رسانه‌های ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی نیز نباید نادیده گرفته شود و همراهی آنان با آموزش و پرورش و انجام اقداماتی همسو با یکدیگر می‌تواند در هویت موفق دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا کند. همچنین به مسئولان نظام تربیتی کشور توصیه می‌شود بسته‌های حمایتی و آموزشی از سلامت روان دانش‌آموزان را به‌منظور جلوگیری از عوامل موثر بر پرخاشگری، در قالب کارگاه‌های آموزشی جلسات مشاوره‌ای و موردکاوی طراحی و پیاده‌سازی نمایند، همچنین با تدارک برنامه‌های درمانی فرزندپروری مثبت برای والدین به عنوان یک روش مؤثر برای درمان پرخاشگری دانش‌آموزان استفاده کرد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از ابزار مصاحبه عمیق با روش‌های کیفی استفاده شود. همچنین توصیه می‌شود اثر میانجی دیگری متغیر روان‌شناختی نظیر تنظیم شناختی هیجان یا راهبردهای مقابله‌ای در ارتباط میان تعارضات والد-فرزند و عملکرد خانواده با پرخاشگری مورد بررسی قرار گیرد.

References

- Anderson, C. A., & Bushman, B. J. (2002). Human aggression. *Annual review of psychology*, 53(1), 27-51. <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.53.100901.135231>
- Anderson, C. A., & Carnagey, N. L. (2009). Causal effects of violent sports video games on aggression: Is it competitiveness or violent content?. *Journal of experimental social psychology*, 45(4), 731-739. <https://doi.org/10.1016/j.jesp.2009.04.019>
- Babchuk, M. I., Babchuk, O. G., Asieieva, Y., Vdovichenko, O., & Melnychuk, I. (2023). Psychological features of physical perfectionism in personality. *Amazonia Investiga*, 12(66), 163-174. <https://doi.org/10.34069/AI/2023.66.06.16>
- Bandura, A., & Walters, R. H. (1977). *Social learning theory* (Vol. 1). Prentice Hall: Englewood cliffs. <https://doi.org/10.1177/105960117700200317>
- Bandura, A., Ross, D., & Ross, S. A. (1961). Transmission of aggression through imitation of aggressive models. *The Journal of Abnormal and Social Psychology*, 63(3), 575. <https://doi.org/10.1037/h0045925>
- Berzonsky, M. D., Soenens, B., Luyckx, K., Smits, I., Papini, D. R., & Goossens, L. (2013). Development and validation of the revised Identity Style Inventory (ISI-5): factor structure, reliability, and validity. *Psychological assessment*, 25(3), 893. <https://doi.org/10.1037/a0032642>
- Besharat, M. A. (2004). Examining the relationship between perfectionism and self-esteem in pre-university students. *Journal of Iranian psychologists*, 1(1), 20-30. (Text in Persian).
- Besser, A., Flett, G. L., & Hewitt, P. L. (2004). Perfectionism, cognition, and affect in response to performance failure vs. success. *Journal of Rational-Emotive and Cognitive-Behavior Therapy*, 22(4), 297-324. <https://doi.org/10.1023/b:jore.0000047313.35872.5c>
- Boutin, S., Temcheff, C. E., & Déry, M. (2021). The Use of Indirect Aggression among Boys and Girls with and without Conduct Problems: Trajectories from Childhood to Adolescence. *Research on Child and Adolescent Psychopathology*, 49(1), 77-89. <https://doi.org/10.1007/s10802-020-00708-6>
- Branje, S. (2018). Development of parent-adolescent relationships: Conflict interactions as a mechanism of change. *Child Development Perspectives*, 12(3), 171-176. <https://doi.org/10.1111/cdep.12278>
- Chester, D. S., Merwin, L. M., & DeWall, C. N. (2015). Maladaptive perfectionism's link to aggression and self harm: Emotion regulation as a mechanism. *Aggressive behavior*, 41(5), 443-454. <https://doi.org/10.1002/ab.21578>
- Dartaj, F., Masaibi, A., Asadzadeh, H. (2008). The effect of anger management training on aggression and social adjustment of 12-15-year-old male students. *Applied Psychology Quarterly*, 3(4): 62-72. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2010.07.347>
- Dinić, B. M., Kodžopeljić, J. S., Sokolovska, V. T., & Milovanović, I. Z. (2016). Empathy and peer violence among adolescents: Moderation effect of gender. *School Psychology International*, 37(4), 359-377. <https://doi.org/10.1177/0143034316649008>



- Dunn, J. G., Gotwals, J. K., Dunn, J. C., & Syrotuik, D. G. (2006). Examining the relationship between perfectionism and trait anger in competitive sport. *International journal of sport and exercise psychology*, 4(1), 7-24. <https://doi.org/10.1080/1612197x.2006.9671781>
- Elham, K. (2016). The relation between identity styles and family cohesion with tendency to the aggressive behaviors in students of boys high school in Qazvin City. *Biomedical and Pharmacology Journal*, 9(2), 799-808. <https://doi.org/10.13005/bpj/1006>
- Evans, S. C., Karlovich, A. R., Khurana, S., Edelman, A., Buza, B., Riddle, W., & López Sosa, D. (2024). Evidence base update on the assessment of irritability, anger, and aggression in youth. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 1-32. <https://doi.org/10.1080/15374416.2023.2292041>
- Eysenk, M.W; Kean, M.T (2015). *Cognitive Psychology: A Student's Handbook*. (H. Zare Translator). Aiizh Pub (2022) (Text in Persian)
- Fan, W. (2023). The Effect of Parenting Styles of Original Families on Individual's Close Relationship. *Journal of Education, Humanities and Social Sciences*, 8, 1848-1853. <http://dx.doi.org/10.54097/ehss.v8i.4595>
- Farrington, D. P. (2004). Conduct disorder, aggression, and delinquency. *Handbook of adolescent psychology*, 627-664. <https://doi.org/10.1002/9780470479193.adlpsy001021>
- Fine, M. A., Moreland, J. R., & Schwebel, A. I. (1983). Long-term effects of divorce on parent-child relationships. *Developmental Psychology*, 19(5), 703. <https://doi.org/10.1037/0012-1649.19.5.703>
- Frost, R. O., Lahart, C. M., & Rosenblate, R. (1991). The development of perfectionism: A study of daughters and their parents. *Cognitive therapy and research*, 15, 469-489. <https://doi.org/10.1007/bf01175730>
- Ganji, H. (2022). *Personality evaluation*. second edition. Savalan publication. (Text in Persian).
- Gholami, S., & Ghaffari, M. (2016). Positive and negative perfectionism and academic performance: mediating effects of identity style and identity commitment. *Journal of Psychological Achievement*, 24(2), 117-136. <https://doi.org/10.22055/PSY.2018.18271.1568> (Text in Persian).
- Glaser, K. (1967). Masked depression in children and adolescents. *American Journal of Psychotherapy*, 21(3), 565-574. <https://doi.org/10.1176/appi.psychotherapy.1967.21.3.565>
- Gurgová, B. Ž., & Slačková, S. (2018). Parental Behaviour and Attitudes as The Source of Adoslescents' Perfectionism. *The New Educational Review*, 51(1), 139-149. <https://doi.org/10.15804/tner.2018.51.1.11>
- Gurgová, B. Ž., & Slačková, S. (2018). Parental Behaviour and Attitudes as The Source of Adoslescents' Perfectionism. *The New Educational Review*, 51(1), 139-149. <https://doi.org/10.15804/tner.2018.51.1.11>
- Halpern, C. T., Oslak, S. G., Young, M. L., Martin, S. L., & Kupper, L. L. (2001). Partner violence among adolescents in opposite-sex romantic relationships: Findings from the National Longitudinal Study of Adolescent Health. *American journal of public health*, 91(10), 1679-1685. <https://doi.org/10.2105/ajph.91.10.1679>
- Hashemi Golestan, N. S., Aghamohammadian Sharbaf, H. R., & Moeenizadeh, M. (2020). The Study of the role of incompatible schemas, personality traits in predicting student communication model with mediating perfectionism. *medical journal of mashhad university of medical sciences*, 62(5.1), 834-851. <https://doi.org/10.22038/mjms.2020.15682> (Text in Persian).
- Hossein khazadeh, A. A., Malekimanesh, A., Taher, M., & maojarad, A. (2018). The Effectiveness of Self-Awareness Training on Reduce Aggressive Behavior, Addict ability, and the Suicide of High School Girl Students. *The Journal of New Thoughts on Education*, 14(1), 135-157. <https://doi.org/10.22051/jontoe.2018.16655.1902> (Text in Persian).
- Hosseinian, S., Yazdi, S M., & Jasbi, M. (2007). The relationship between the health level of the main family and the marital satisfaction of the women of the education secretary of Karaj city. *New Educational Approaches*, 3(1), 63-76. (Text in Persian).
- Houshmandi, M. (2014). *The relationship between dimensions of perfectionism and epistemological beliefs*. Master's thesis. Islamic Azad University, Arsanjan branch. (Text in Persian).
- Hovestadt, A. J., Anderson, W. T., Piercy, F. P., Cochran, S. W., & Fine, M. (1985). A FAMILY OF ORIGIN SCALE. *Journal of Marital and Family Therapy*, 11 (3), 287-297. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1985.tb00621.x>
- Hoyle, R. H. (1995). *Structural equation modeling: Concepts, issues, and applications*. Sage. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780195367621.003.0002>
- Jia, G., Li, X., Chu, Y., & Dai, H. (2021). Function of family of origin and current quality of life: exploring the mediator role of resilience in Chinese patients with type 2 diabetes. *International Journal of Diabetes in Developing Countries*, 41, 346-353. <https://doi.org/10.1007/s13410-020-00894-5>
- Kakavand, A., Kalantari, S., Noohi, S., & Taran, H. (2017). Identifying the relationship of parenting styles and parent's perfectionism with normal students' and gifted students' perfectionism. *Independent Journal of Management & Production*, 8(1), 108-123. <https://doi.org/10.14807/ijmp.v8i1.501>
- Kann, L., Kinchen, S., Shanklin, S. L., Flint, K. H., Hawkins, J., Harris, W. A., ... & Zaza, S. (2014). Youth risk behavior surveillance—United States, 2013. *Morbidity and Mortality Weekly Report: Surveillance Summaries*, 63(4), 1-168. <https://doi.org/10.1037/e621472009-001>

- Ladd, G. W. (2005). *Children's peer relations and social competence: A century of progress*. Yale University Press. <https://doi.org/10.5860/choice.43-3704>
- Lahav-Kadmiel, Z., & Brunstein-Klomek, A. (2018). Bullying victimization and depressive symptoms in adolescence: The moderating role of parent-child conflicts among boys and girls. *Journal of adolescence*, 68, 152-158. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2018.07.014>
- Lei, H., Chiu, M. M., Quan, J., & Zhou, W. (2020). Effect of self-control on aggression among students in China: A meta-analysis. *Children and Youth Services Review*, 116, 105-107. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105107>
- Leshem, R., & Mashal, N. (2024). What does metaphoric language say about aggression? The relationships between metaphoric language, impulsivity, and aggression. *Acta Psychologica*, 243, 104173. <https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2024.104173>
- Maliki, S., Falahi Khokhnab, M., Rahgoi, A., & Rahgozar, M. (2011). Investigating the effect of group training on anger management skills on the aggression of 12-15 year old male students. *Iranian Journal of Nursing*, 24 (69), 26-35. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2010.07.347> (Text in Persian).
- Marzban, a., Abedi, M. R., & Nilforooshan, P. (2018). Comparing the effect of career counseling method based on social cognitive theory and calling-oriented career counseling method on academic engagement among high school students. *Career and Organizational Counseling*, 10(35), 61-80. <https://doi.org/10.18502/qjcr.v21i84.12102> (Text in Persian).
- Mastrotheodoros, S., Van der Graaff, J., Deković, M., Meeus, W. H., & Branje, S. (2020). Parent-adolescent conflict across adolescence: Trajectories of informant discrepancies and associations with personality types. *Journal of youth and Adolescence*, 49, 119-135. <https://doi.org/10.1007/s10964-019-01054-7>
- Matthews, S. (2023). *Influence of Parenting Style and Family Environment on Adolescent Aggression* (Doctoral dissertation, Alliant International University).
- mehrinejad, A., sadri, N., Ramezan Saatchi, L., & ghafari, Z. (2019). The effectiveness of life skills training on self-esteem and parent-child conflict among first secondary school girls in Tehran. *The Journal of New Thoughts on Education*, 15(1), 187-206. <https://doi.org/10.22051/jontoe.2019.20838.2252> (Text in Persian).
- Merrin, G. J., Davis, J. P., Berry, D., & Espelage, D. L. (2019). Developmental changes in deviant and violent behaviors from early to late adolescence: Associations with parental monitoring and peer deviance. *Psychology of violence*, 9(2), 196. <https://doi.org/10.1037/vio0000207>
- Meter, D. J., Ehrenreich, S. E., Beron, K., & Underwood, M. K. (2021). Listening In: How Parent-Child Communication Relates to Social and Physical Aggression. *Journal of Child and Family Studies*, 30(6), 1540-1553. <https://doi.org/10.1007/s10826-021-01959-7>
- Michiels, D., Grietens, H., Onghena, P., & Kuppens, S. (2008). Parent-child interactions and relational aggression in peer relationships. *Developmental Review*, 28(4), 522-540. <https://doi.org/10.1016/j.dr.2008.08.002>
- Miller, P. A., Lloyd, C. A., & Beard, R. (2. 17). Preadolescents' coping goals and strategies in response to postdivorce interparental conflict. *Qualitative Psychology*, 4(3), 260. <https://doi.org/10.1037/qup0000067>
- Mirzaei Kotnai, F., Hossein Khanzadeh, A.A., Asghari, F., & Shakrinia, I. (2014). The role of family cohesion in explaining children's aggressive behavior. *Children's Mental Health Quarterly*, 2 (2), 73-84. . (Text in Persian).
- Moradi, M., ZeqeibiGannad, S., Alipour, S., & Savadkoohi, S. (2016). Investigating the causal relationship between family environment and classroom environment with aggressive behavior in school with the mediating role of loneliness, non-conformist ideal reputation and. *Journal of School Psychology*, 5(2), 109-130.(Text in Persian).
- Motaghifar, G. (2004). Identity and identity crisis with an emphasis on youth. *Marefat*, 86-87,101. (Text in Persian).
- Muñoz-Fernández, N., & Sánchez-Jiménez, V. (2020). Cyber-aggression and psychological aggression in adolescent couples: A short-term longitudinal study on prevalence and common and differential predictors. *Computers in Human Behavior*, 104, 106-191. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2019.106191>
- Naderi Nobandangani, Z., Mehravar Momeni, J., & Hosseinian, S. (2013). Presenting a conceptual model to explain the relationship between identity styles, neo personality traits and perfectionism. *Scientific-Research Quarterly of Psychological Methods and Models*, 4(16), 85-99. <https://doi.org/20.1001.1.22285516.1393.4.16.6.5> (Text in Persian).
- Nasiri, S., & Nasiri ,F. (2013). Prediction of aggression based on perfectionism in athletes. *Motor Behavior*, 6(15), 173-182. (Text in Persian).
- Navarro, R., Larrañaga, E., Yubero, S., & Villora, B. (2022). Families, parenting and aggressive preschoolers: a scoping review of studies examining family variables related to preschool aggression. *International journal of environmental research and public health*, 19(23), 15556. <https://doi.org/10.3390/ijerph192315556>
- Nivette, A., Sutherland, A., Eisner, M., & Murray, J. (2019). Sex differences in adolescent physical aggression: Evidence from sixty three low and middle income countries. *Aggressive behavior*, 45(1), 82-92. <https://doi.org/10.1002/ab.21799>
- Noori Samarin, S., Kheyrollah Bayatiany, G., & Seraj Khorrami, N. (2013). Study of the Relationship between Perfectionism with Life Satisfaction and Aggression among High School Students. *Journal of Modern Psychological Researches*, 8(31), 201-219 <https://doi.org/10.16877/kids.44.5.201309.113> (Text in Persian).



- Nwufu, J., Eze, J. E., Chukwuorji, J., Orjiakor, C. T., & Ifeagwazi, C. M. (2023). Parenting styles contributes to overt aggression, but age and gender matters. *European Review of Applied Psychology*, 73(5), 100852. <https://doi.org/10.1016/j.erap.2022.100852>
- Oliveros, A. D., & Coleman, A. S. (2021). Does emotion regulation mediate the relation between family-of-origin violence and intimate partner violence?. *Journal of interpersonal violence*, 36(19-20), 9416-9435. <https://doi.org/10.1177/0886260519867146>
- Ozer, S., Obaidi, M., & Schwartz, S. J. (2023). Radicalized Identity Styles: Investigating Sociocultural Challenges, Identity Styles, and Extremism. *Self and Identity*, 22(4), 507-532. <https://doi.org/10.1080/15298868.2022.2131618>
- Piotrowski, K., Bojanowska, A., Nowicka, A., & Janasek, B. (2021). Perfectionism and community-identity integration: the mediating role of shame, guilt and self-esteem. *Current Psychology*, 1-9. <https://doi.org/10.1007/s12144-021-01499-9>
- Raoof, K., Khademi Ashkzari, M., & Naghsh, Z. (1398). Relationship between perfectionism and academic procrastination :the mediating role of academic self-efficacy, self-esteem and academic self-handicapping.. *The Journal of New Thoughts on Education*, 15(1), 207-236. <https://doi.org/10.22051/jontoe.2017.14118.1684> (Text in Persian).
- Refahi, J., Dastan, N., & Ashrafi, H. (2019). Predicting children's aggression based on domestic violence and communication patterns. *Children's Mental Health Quarterly*, 7 (2), 55-65. <https://doi.org/10.29252/jcmh.7.2.6> (Text in Persian).
- Rice, K. G., Ashby, J. S., & Slaney, R. B. (1998). Self-esteem as a mediator between perfectionism and depression: A structural equations analysis. *Journal of counseling psychology*, 45(3), 304. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.45.3.304>
- Rollins, P., Williams, A., & Sims, P. (2018). Family dynamics: Family-of-origin cohesion during adolescence and adult romantic relationships. *Contemporary Family Therapy*, 40(2), 128-137. <https://doi.org/10.1007/s10591-017-9430-1>
- Ruiz-Esteban, C., Méndez, I., Fernández-Sogorb, A., & Álvarez Teruel, J. D. (2021). Perfectionism classes and aggression in adolescents. *Frontiers in psychology*, 12, 686380. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.686380>
- Saeed Manesh, M., Sohrvardi, M., & Jamal Abadi, P. (2018). Effectiveness of positive parenting program training on reducing anxiety and aggression in children with thalassemia. *Journal of Disability Studies*, 9 (1), 1-9. <https://doi.org/10.18502/ijph.v48i11.3536> (Text in Persian).
- Salimian, Z., Mehdizadegan, I., & Namazizadeh, M. (2015). The effect of perfectionism, team norm and moral climate on aggressive behaviors in basketball players. *Journal of sports management and movement behavior*, 12(23), 145-156. [https://doi.org/10.53469/jssh.2022.4\(11\).12](https://doi.org/10.53469/jssh.2022.4(11).12) (Text in Persian).
- Sandu, M. L., & Ciubuc, G. A. (2023). Aggression as a Form of Adaptation in Conflicting Relationships Parents-Teenagers. *Technium Soc. Sci. J.*, 48, 188. DOI:10.47577/tssj.v48i1.9565
- Sayyah, S. S., & Jamali, M. (2019). The Effectiveness of Spiritual Skills Training on Female Student's Aggression. *Woman and Culture*, 11(39), 71-85. <https://doi.org/10.3946/kjme.2016.44> (Text in Persian).
- Schlomer, G. L., Cleveland, H. H., Vandenbergh, D. J., Feinberg, M. E., Neiderhiser, J. M., Greenberg, M. T., ... & Redmond, C. (2015). Developmental differences in early adolescent aggression: A gene× environment× intervention analysis. *Journal of youth and adolescence*, 44(3), 581-597. <https://doi.org/10.1007/s10964-014-0198-4>
- Shafiabadi, A. (2011). *Basics of developmental psychology*. Tehran, Chehar Sohami Publications. (Text in Persian).
- Shareati, Y., & Khaleghipour, S. (2023). Structural relationships of internet tendency with temperament and character, diurnal preferences, and identity styles as mediated by anxiety. *The Journal of New Thoughts on Education*, 19(2), 225-244. <https://doi.org/10.22051/jontoe.2022.39897.3557> (Text in Persian).
- Sharma, A. (2012). Correlates of juvenile delinquency: the role of family environment and self-esteem. *Advances in Asian Social Science*, 4(1), 773-777. <https://doi.org/10.31219/osf.io/cu3gh>
- Shayegh Borojeni, B., Manshaee, G., & sajjadian, I. (2019). Comparing the effects of teen-centric mindfulness and emotion regulation trining on aggression and anxiety in type II with bipolar disorder female adolescent. *Psychological Achievements*, 26(2), 67-88. doi: 10.22055/psy.2019.30660.2387
- Shehni-Yailagh, M., Azizimehr, A., & Maktabi, G. (2014). The Causal Relationship between Covert and Overt Conflicts and School Performance, Mediated by Parent-Child Relationship, Antisocial Behavior and Withdrawal/Depression among High school Students. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 3(Vol. 2 NO.3), 1-16. <https://doi.org/10.52547/jrums.21.7.741> (Text in Persian).
- Sheykholeslami, A., Asadolahi, E., & Mohammadi, N. (2017). Prediction of Aggressive of Juvenile Delinquents with Problem Solving Strategies and Communication Skills. *SALĀMAT-I IJTIMĀ'Ī (Community Health)*, 4(3), 204–214. <https://doi.org/10.22037/ch.v4i3.16584> (Text in Persian).
- Slaney, R. B., Rice, K. G., & Ashby, J. S. (2002). A programmatic approach to measuring perfectionism: The Almost Perfect Scales. <https://doi.org/10.1037/10458-003>

- Smetana, J. G., & Rote, W. M. (2019). Adolescent-parent relationships: Progress, processes, and prospects. *Annual Review of Developmental Psychology*, 1, 41-68. <https://doi.org/10.1146/annurev-devpsych-121318-084903>
- Sun, Y., Cheah, C. S., & Hart, C. H. (2023). Parent child relationship buffers the impact of maternal psychological control on aggression in temperamentally surgent children. *Social Development*, e12722. <https://doi.org/10.1111/sode.12722>
- Tokhmehforoushan Khiabani, N., & Hadidi Tamjid, N. (2017). The Relationship between Iranian Male and Female EFL Learners' Motivation and their Identity: Perfectionism and Hardiness. *Journal of English Language Pedagogy and Practice*, 10(20), 187-207.
- Tondowski, C. S., Feijó, M. R., Silva, E. A., Gebara, C. F. D. P., Sanchez, Z. M., & Noto, A. R. (2014). *Intergenerational patterns of family violence related to alcohol abuse: a genogram-based study*. *Psicologia: Reflexão e Crítica*, 27(4), 806-814. <https://doi.org/10.1590/1678-7153.201427421>
- Totonchi, M., Samani, S., & Zandi Ghashghaei, K. (2012). Mediating Role of Self-Concept in Perfectionism and Mental Health of Adolescents in the City of Shiraz in 2012 [Research]. *Journal of Advanced Biomedical Sciences*, 2(3), 210-217. (Text in Persian).
- Vicent, M., Inglés, C. J., Sanmartín, R., González, C., & García-Fernández, J. M. (2018). Aggression profiles in the Spanish child population: differences in perfectionism, school refusal and affect. *Frontiers in behavioral neuroscience*, 12, 12. <https://doi.org/10.3389/fnbeh.2018.00012>
- Vleioras, G., & Bosma, H. A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being?. *Journal of adolescence*, 28(3), 397-409. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2004.09.001>
- Xie, X., Chen, W., Lei, L., Xing, C., & Zhang, Y. (2016). The relationship between personality types and prosocial behavior and aggression in Chinese adolescents. *Personality and Individual Differences*, 95, 56-61. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.02.002>
- Yıldız, M., Duru, H., & Eldeleklioğlu, J. (2020). Relationship between parenting styles and multidimensional perfectionism: A meta-analysis study. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 20(4). <http://dx.doi.org/10.12738/jestp.2020.4.002>
- Zablei, P., Sanai Zakir, B., & Hamidi, M.A. (2013). Measuring the usefulness of the demonstration method in improving the conflict resolution skills of girls with their mothers who are first year high school students in the 2nd district of Tehran. *Counseling Research (News and Counseling Research)*, 4(13), 81-98. (Text in Persian).
- Zahn, M. A., Hawkins, S. R., Chiancone, J., & Whitworth, A. (2011). The girls Study group - charting the way to delinquency prevention for girls. 1-15. <https://doi.org/10.1037/e530862008-001>
- Zhong, X., Wu, D., Nie, X., Xia, J., Li, M., Lei, F., ... & Mahendran, R. (2016). Parenting style, resilience, and mental health of community-dwelling elderly adults in China. *BMC geriatrics*, 16(1), 1-8. <https://doi.org/10.1186/s12877-016-0308-0>.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی